

بن بست از دو سو

نگاهی جامعه‌شناختی به اشعار نصرت رحمانی

کاظم هاشمی



فصل پنجم

بن بست از دو سو

نگاهی جامعه‌شناختی به اشعار نصرت رحمانی

نویسنده: کاظم هاشمی

سرشناسه: هاشمی، کاظم، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور: بن‌یست از دو سو. / کاظم هاشمی.
نگاهی جامعه‌شناختی به اشعار نصرت رحمانی
مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: [۱۴۴]ص.
شابک: ۴ - ۴۹۴ - ۳۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸۶ ی / ۸۳ ح / PIR ۸۰۵۸
رده بندی دیویی: ۱/۶۲ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۴۴۹۳۸

فصل پنجم / ناشر تخصصی شعر

بن‌یست از دو سو / کاظم هاشمی
نگاهی جامعه‌شناختی به اشعار نصرت رحمانی
چاپ اول: ۱۳۹۷ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه
طراح جلد: گروه طراحان ۴میخ
شابک: ۴ - ۴۹۴ - ۳۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸
صندوق پستی ناشر: ۴۵۱ - ۱۳۱۴۵
مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگرجنوبی، کوچه مهدی‌زاده، شماره ۴، واحد ۱۰
تلفن: ۰۹۸۴۷۰۶۶۹۰ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ - تلفکس: ۰۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram: fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

به مهربانم
حسین هاشمی

فهرست

- ۷.....مقدمه
- ۱۱.....چرا نصرت رحمانی؟
- ۱۳.....کلیات و تعاریف
- ۱۴.....پیوند ادبیات و اجتماع
- ۱۶.....جامعه‌شناسی ادبیات و روش‌های آن
- ۱۹.....مختصری درباره احوال شاعر
- ۲۱.....تحلیل جامعه‌شناختی اشعار نصرت رحمانی
- ۲۲.....اروتیسم
- ۳۳.....اعتیاد
- ۳۴.....افیون
- ۵۲.....میخانه
- ۵۳.....رفع غم و قصه ناشی از خیانت معشوق
- ۶۳.....شادی و نشاط
- ۶۴.....فراموشی اوضاع خفقان‌آلود
- ۶۸.....باورهای عامه
- ۷۲.....بستن قفل و گره زدن پارچه
- ۷۳.....تغال
- ۷۳.....فال پرند
- ۷۴.....فال قهوه
- ۷۷.....کف‌بینی

- چشم زخم..... ۷۷
- خواستگاری..... ۷۹
- طلسم و جادو..... ۸۲
- حوادث تاریخی و سیاسی..... ۸۴
- حزب توده..... ۸۴
- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دکتر مصدق..... ۹۱
- وضعیت اعدام و شکنجه..... ۹۴
- فقر مادی و معنوی..... ۱۰۴
- وضعیت اسفناک زن..... ۱۱۴
- یأس و بدبینی..... ۱۲۴
- سخن پایانی..... ۱۳۹
- منابع..... ۱۴۱

امیرحسین آریان‌پور یکی از نخستین کسانی است که مباحث جامعه‌شناسی هنر و ادبیات را در ایران مطرح کرد. وی از سال ۱۳۴۱ سخنرانی‌هایی را برای دانشجویان دانشگاه تهران ایراد کرد که بعدها این سخنرانی‌ها به صورت کتابی تحت عنوان جامعه‌شناسی هنر منتشر شد. گفته می‌شود که اولین کتاب در زمینه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات را در ایران معصومه عصام تالیف کرده است. در زمینه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات تاکنون کتاب‌های مختلفی نوشته شده است، اما اکثر نویسندگان آن‌ها به استخراج مسایل اجتماعی پرداخته‌اند و پیرامون آن‌ها توضیحاتی کلی و گذرا عرضه کرده‌اند؛ به عنوان مثال: جامعه‌شناسی ادبیات فارسی از محمد پارسانسب، جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی از هدایت‌الله ستوده، جامعه‌شناسی ادبیات فارسی از فریدون وحید، جامعه‌شناسی ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی هنر و ادبیات از علی اکبر ترابی. کتاب‌های دیگری که به جامعه‌شناسی شعر پرداخته‌اند عبارتند از: داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع از شاهرخ مسکوب، جامعه‌شناسی خودکامگی: تحلیل جامعه‌شناسی ضحاک ماردوش از علی رضاقلی، جامعه‌شناسی ادبیات: شعر نو و تکامل اجتماع از علی اکبر ترابی، زمینه‌ی اجتماعی شعر فارسی و مفلس کیمیا فروش، هر دو از دکتر شفیعی کدکنی. با این که عنوان کتاب دوم هیچ نسبتی با جامعه‌شناسی ادبیات ندارد اما در حقیقت می‌توان به عنوان تنها اثری که درباره ادبیات کلاسیک فارسی - دقیقاً درباره قصیده مدحی - با دیدی جامعه‌شناختی نوشته شده است از آن نام برد. چنین برخورد جامعه‌شناسانه با شعر کلاسیک فارسی را در کتاب «تازیان‌های سلوک» از دکتر شفیعی کدکنی نیز می‌بینیم. فصل هفتم این کتاب تحت عنوان «ساختار اجتماعی و ساختار ادبی» به نقد جامعه‌شناختی شعر سنایی پرداخته است. به طور کلی در زمینه‌ی شعر و شناخت نصرت

رحمانی با کمبود منابع مواجه هستیم و حق این شاعر در بین دیگر شاعران ادا نشده است. از آنجا که نصرت رحمانی در اشعارش به بازتاب اجتماع و پدیده‌های آن پرداخته است انجام پژوهشی مستقل درباره‌ی جامعه‌شناسی اشعارش می‌تواند به شناخت شاعر، جامعه‌ی زمان او و درک کامل‌تر زمینه‌های اجتماعی شعر معاصر فارسی کمک کند. هدف از تألیف این کتاب بررسی توصیفی و تحلیلی اشعار نصرت رحمانی و تبیین اندیشه‌های اجتماعی در شعر اوست. همچنین این پژوهش می‌تواند الگویی برای رونق بخشیدن به مطالعات جامعه‌شناسی ادبیات باشد. دانشجویان، محققان حوزه‌ی ادبیات و جامعه‌شناسی، انجمن‌های نقد ادبی و علاقه‌مندان به ادبیات معاصر ایران می‌توانند از نتایج این پژوهش استفاده کنند.

روش تحقیق در این کتاب، تحلیل اشعار نصرت رحمانی بر اساس نظریه‌ی جامعه‌شناختی بازتاب و آرای هانری زالامانسکی است. نظریه‌ی بازتاب هنر را آیینی جامعه‌ی می‌داند و به بررسی میزان انطباق محتوای آثار با آنچه در واقعیت اجتماعی می‌گذرد، می‌پردازد. بر اساس این رویکرد، هنرمند صرفاً به بازتاب وضع موجود می‌پردازد و ارزش‌های منفی و مثبت را به همان صورت به تصویر می‌کشد. هانری زالامانسکی که از طرفداران نظریه بازتاب است و روش خود را «جامعه‌شناسی محتواها» می‌نامد، معتقد است که مسئله‌ی اساسی آن است که در آغاز دریابیم چه چیزی به خوانندگان عرضه می‌شود؛ یعنی چه محتوایی به آنان انتقال یافته است. به همین سبب، بررسی محتوا عاجل‌ترین وظیفه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات است. از نظر او با صورت‌برداری از محتوای آثار و بررسی و رده‌بندی آن‌ها می‌توانیم به تصویری کلی از جامعه برسیم. هر نویسنده‌ای به مجموعه‌ای از پرسش‌های زمانه‌ی خود پاسخ می‌دهد. ما با بررسی محتوای آثار در می‌یابیم که مسائل دوران ما چگونه مطرح شده‌اند و چه راه‌حلی یافته‌اند. البته ناگفته نماند که نخستین منتقدان ایرانی در عصر جدید از آخوندزاده گرفته تا کسروی، در نقد و تحلیل‌های خود به محتوا بیشتر از سایر موارد توجه داشتند؛ برای مثال حمله‌های آقاخان کرمانی و کسروی به

آثار صوفیه بیشتر از منظر محتوا بود. آن‌ها معتقد بودند که آموزه‌های صوفیه با زندگی امروزی سازگاری ندارد و جامعه را به سوی رخوت می‌کشاند. غرض از آوردن این نکته این بود که تحلیل محتوای آثار از همان ابتدا در دستور کار منتقدان خود ما قرار داشت و چیز تازه‌ای نیست، اگرچه مبنا و اصول علمی این نوع نقد ریشه در غرب دارد.

نکته‌ای که در این جا باید بدان اشاره کنیم این است که انتشارات نگاه در ضبط اشعار رحمانی، دچار برخی اشتباهات شده که ما این اشتباهات را برطرف کرده و صحیح آن‌ها را نوشته‌ایم. انتظار می‌رود انتشارات نگاه در ضبط اشعار دقت بیشتری به عمل بیاورد.

چرا نصرت رحمانی؟

تألیف این کتاب در بهمن ۱۳۹۱ به اتمام رسید اما به دلایلی چاپ آن به تأخیر افتاد. این کتاب در واقع رساله‌ی کارشناسی ارشد نگارنده‌ی این سطور در دانشگاه بیرجند است که زیر نظر استاد فرهیخته جناب آقای دکتر شایان سرشت نوشته شده است. در زمان تألیف این رساله نگارنده بیشتر از ۲۵ سال نداشت و این خود می‌تواند از دلایل ضعف‌ها و کاستی‌ها باشد. امیدوارم اهل فن در کاستی‌ها به دیده‌ی اغماض بنگرند. ناگفته نماند که مسئولیت تمام ضعف‌ها بر عهده‌ی نگارنده است.

اما چرا نصرت رحمانی؟

یکی از دلایلی که باعث شد به بررسی شعر نصرت رحمانی بپردازم این است که احساس می‌کردم شعر نصرت رحمانی با وجود نوآوری‌ها چنان که باید و شاید به جایگاه اصلی خود نرسیده است. در واقع می‌توان گفت شعر نصرت رحمانی تحت تأثیر شخصیتش قرار گرفته و نه تنها به جایگاه اصلی خود نرسیده بلکه در حاشیه مانده است. نوآوری‌های رحمانی چه به لحاظ زبانی و چه به لحاظ محتوایی بر کسی پوشیده نیست؛ به طوری که نیما بر اولین مجموعه‌اش مقدمه می‌نویسد و شعرش را می‌ستاید. شاید مهم‌ترین نوآوری نصرت رحمانی در حوزه‌ی زبان باشد. او زبان کوچه و بازار را وارد شعر کرد و به آن شعریت بخشید و بدین ترتیب به غنای زبان شعری افزود. اگرچه در دوره‌ی مشروطه زبان کوچه و بازار وارد شعر شده بود اما به گفته‌ی دکتر مهدی زرقانی شاعران مشروطه نتوانسته بودند چنان که باید و شاید به آن شعریت ببخشند. نوآوری دیگر رحمانی این است که مضامین غیرروشنفکرانه

را وارد شعر کرد و بدین ترتیب قدم دیگری در حوزه‌ی شعر برداشت. دلیل دیگر علاقه‌ای است که به شعر او دارم. این دو دلیل باعث شد که به بررسی شعر نصرت رحمانی روی بیاورم تا شاید قدمی کوچک در شناساندن شعر او و قدمی کوچک‌تر در حوزه‌ی ادبیات معاصر برداشته باشم. اگر این کتاب به اندازه‌ی پرّ پشه‌ای مفید بوده باشد نگارنده رسالت خود را انجام داده است.

در پایان وظیفه‌ی خود می‌دانم از استاد فرهیخته و عزیزم جناب آقای دکتر شایان سرشت کمال تشکر را داشته باشم. راهنمایی‌های ایشان همیشه چراغ راه من بوده است. برای ایشان و خانواده‌ی محترمشان آرزوی سلامتی و توفیق دارم.

کلیات و تعاریف

جامعه‌شناسی ادبیات مطالعات خود را بر محتوای اثر و جوهر اجتماعی آن و روابط متقابل ادبیات و جامعه متمرکز می‌کند. در این رویکرد موقع و موضع هنر و هنرمند در ساخت جامعه و روابط اجتماعی، محیط هنرمند و زمان و مکان زندگی و همچنین طبقه و قشر اجتماعی که هنرمند در میان آن‌ها و به مقتضای آن‌ها و یا در پیوند با آن‌ها به آفرینش اثر هنری پرداخته، بررسی می‌شود. جامعه‌شناسی ادبیات با معتبر شمردن قواعد و قراردادهای زیباشناختی و مهم شمردن بررسی و نقد ادبی، اساساً می‌کوشد تأثیراتی را که شاعر و نویسنده و آثار آنان در روند امور و نهادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر جای می‌گذارند، روشن سازد و نقش مهمی را که ساختار اجتماعی و فرهنگ جامعه در دوره‌ی معینی از حیات اجتماع در گسترش و یا محدودیت، کمیت و کیفیت هنر ایفا می‌کند نشان دهد. رابطه‌ی ادبیات و اجتماع رابطه‌ی یک سویه نیست، همان‌طور که ادبیات از جامعه تأثیر می‌پذیرد و بازتاب اجتماع خود است به همان نسبت نیز بر جامعه تأثیر می‌گذارد. شخصیت افراد تحت تأثیر جامعه است اما هنگامی که شخصیت آن‌ها استوار می‌شود واقعیتی هستند که بر محیط اجتماعی خود تأثیر می‌گذارند. از خلال آثار ادبی می‌توان بر افکار و اندیشه‌های خالق آن‌ها که متأثر از جامعه است پی برد. جامعه‌شناس ادبی با بررسی جامعه‌ی شاعر و نویسنده و تطبیق آن با آثار ادبی هم به شناخت کلی از جامعه می‌رسد و هم عقاید شاعر و نویسنده را بررسی و تحلیل می‌کند. از آنجا که نصرت رحمانی به گفته‌ی خودش صدای نسل شکست خورده و آواره را فریاد می‌زند و در اشعارش از مسائل، فضای زندگی شهری مردم عادی و روشنفکران و از واقعیت‌هایی که دیگران نمی‌دیدند یا نمی‌خواستند ببینند تصویر می‌دهد، نگارنده بر آن شده است تا به تحلیل جامعه‌شناختی اشعار او بپردازد.

پیوند ادبیات و اجتماع

رابطه‌ی ادبیات و اجتماع رابطه‌ی دوسویه است؛ همان‌گونه که ادبیات از جامعه تأثیر می‌پذیرد، به همان نسبت یا بیش و کم بر آن تأثیر می‌گذارد. «شخصیت اساساً معلول محیط اجتماعی است و مخصوصاً محیط طبقه‌ای است، ولی شخصیت چون استوار شود، به عنوان یک واقعیت، در کارکردهای شخص و بدان وسیله در محیط اجتماعی اثر می‌نهد. شخصیت هنرمند مهم‌ترین عامل هنر آفرینی اوست و خواه و ناخواه در آثار او منعکس می‌شود. شخصیت هنرمند میانجی واقعیت و اثر هنری است؛ واقعیت را جذب می‌کند و به صورت هنر در می‌آورد» (آریان‌پور، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

رنه ولک درباره‌ی رابطه‌ی متقابل ادبیات و اجتماع می‌نویسد: «نویسنده نه تنها تحت تأثیر جامعه قرار می‌گیرد بلکه بر آن تأثیر نیز می‌گذارد. هنر تنها از زندگی نسخه‌برداری نمی‌کند، بلکه به آن شکل نیز می‌دهد. مردم ممکن است زندگی خود را طبق الگوی قهرمان افسانه‌ای طرح‌ریزی کنند. آنان به اقتضای کتاب عشق ورزیده‌اند، کشته‌اند و کشته شده‌اند، یا خودکشی کرده‌اند. خواه این کتاب رنج‌های ورتر گوته باشد یا سه تفنگدار آلکساندر دوما» (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

بحث سانسور و ممنوع بودن بعضی از آثار ادبی، تأثیرگذاری این نوع آثار را بر جامعه به خوبی نشان می‌دهد. هر جامعه‌ای بنا بر اصول و مبانی خاص خود به سانسور و ممنوع کردن آثار ادبی دست می‌زند. بعضی از آثار ادبی ممکن است جامعه را به سوی خرافات و رخوت ببرد و بعضی دیگر باعث بیداری مردم شود، بعضی ممکن است بی‌مذهبی را فرا دید آورد و بعضی دیگر دینداری را تبلیغ کند. احمد کسروی درباره‌ی علل بیداری ایرانیان مطلبی دارد که گفته‌های فوق را تأیید می‌کند: «یک چیز دیگری که می‌باید از انگیزه‌های بیداری ایرانیان شمرد کتاب‌های طالبوف و سیاحتنامه ابراهیم بیگ می‌باشد» (کسروی، ۱۳۵۴: ۴۴). کسروی پس از توضیح درباره‌ی محتوای مسالک‌المحسنین و تأثیرگذاری

آن در بین مردم، به تعریف و تمجید از سیاحتنامه‌ی ابراهیم بیک می‌پردازد که باعث بیداری کسان بسیاری در زمان خود شد: «اما سیاحتنامه ابراهیم بیک، ارج آن را کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و تکانی را که در خواننده پدید آورده را بیاد می‌دارند» (کسروی، ۱۳۵۴: ۴۵).

ژان پل سارتر نیز تأثیر جامعه و خوانندگان بر آثار ادبی را امری ناگزیر می‌داند: «خوانندگان با آداب خود، با جهان‌بینی خود، با برداشت خود از جامعه و ادبیات در بطن جامعه، به میدان می‌آیند و نویسندگان را در میان می‌گیرند، او را محاصره می‌کنند و خواست‌های آمرانه یا مخفیانه‌ی آن‌ها، استنکاف‌ها یا گریزهای آن‌ها مصالحی است که بر اساس آن می‌توان اثری را به وجود آورد» (سارتر، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

بنابراین می‌توان گفت که آثار ادبی از نظر بررسی تأثیر جامعه و بازتاب آن در این آثار قابل توجه هستند. «جامعه پیش از اثر وجود دارد و نویسنده را مشروط می‌کند و نویسنده نیز به بازتاب و بیان جامعه می‌پردازد و جویای دگرگون ساختن آن است؛ جامعه در اثر ادبی وجود دارد و ردّ پا و توصیف آن را در اثر می‌یابیم» (پوینده، ۱۳۷۷: ۹۸).

رنه ولک در مورد متداولترین شیوه‌ی یافتن روابط ادبیات و جامعه می‌نویسد: «متداولترین شیوه‌ی یافتن روابط ادبیات و جامعه، مطالعه‌ی آثار ادبی به عنوان مدرکی اجتماعی و تصاویری فرضی از واقعیت اجتماعی است. در این نیز شکی نیست که نوعی تصویر را می‌توان از ادبیات به دست آورد. در واقع، این یکی از قدیمترین استفاده‌هایی است که محققان صاحب اسلوب از ادبیات کرده‌اند» (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۱۱۰). البته تصویری که آثار ادبی از جامعه ارائه می‌دهند، تصویری دقیق و همه‌جانبه نیست؛ زیرا هنرمندان معمولاً «از گاه، کوه می‌سازند و از ناله، نعره‌ها». به عبارت دیگر، احساس هنرمندان در خلق آثار دخیل است و همین امر باعث می‌شود که در بیان موضوعات مختلف دچار افراط و تفریط شوند. «از ادبیات می‌توان به عنوان سند اجتماعی و به دست آوردن نکات کلی تاریخ اجتماعی استفاده کرد» (همان).

جامعه‌شناسی ادبیات و روش‌های آن

پژوهش میان رشته‌ای، قرار گرفتن دو یا چند رشته در کنار هم برای حل مسئله‌ای علمی است که در دوران رواج تخصص‌گرایی، نگاهی وحدت‌گرایانه به دانش بشری دارد و درصدد ایجاد ارتباط منطقی بین علوم و پاسخ به پرسش‌هایی است که رشته‌های تخصصی به تنهایی نمی‌توانند به آن‌ها پاسخ بدهند. این رویکرد پس از آسیب‌شناسی تخصص‌گرایی محض و آشکار شدن پیامدهای منفی آن در دهه‌های اخیر، اهمیت خاصی یافته و در مراکز دانشگاهی جهان مورد توجه قرار گرفته است. البته رویکرد میان رشته‌ای همیشه بوده است. از گذشته‌های دور، موسیقی و ادبیات و یا نقاشی و ادبیات با هم به تعامل داشته‌اند. اما آن‌چه امروزه در میان خواص، پژوهش میان رشته‌ای نامیده می‌شود، تنها همنشینی و همکاری مکانیکی دو یا چند رشته نیست بلکه رویکرد بین رشته‌ای، رویکرد پیوندی و تعاملی رشته‌های گوناگون علوم با یکدیگر و همکاری تنگاتنگ آن‌ها به هم است. به گونه‌ای که ارتباط آن با هم در یک بستر دیالوگی و دیالکتیکی شکل گرفته باشد.

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شیوه‌های نسبتاً نوین در مطالعات ادبی و از شاخه‌های پژوهش میان رشته‌ای به شمار می‌رود. در این شیوه ساختار و محتوای اثر ادبی و ارتباط آن با ساختار و تحولات جامعه‌ای که اثر در آن پدید آمده بررسی می‌شود. علی‌اکبر ترابی در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات می‌نویسد: «در واقع جامعه‌شناسی ادبیات با معتبر شمردن قواعد و قراردادهای زیباشناختی و مهم شمردن بررسی و نقد ادبی، اساساً می‌کوشد تأثیراتی را که شاعر و نویسندگان و آثار آنان در روند امور و نهادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برجای می‌گذارند روشن سازد و نقش مهمی را که ساختار اجتماعی و فرهنگ جامعه در دوره معینی از حیات اجتماع در گسترش و یا محدودیت، کمیت و کیفیت هنر ایفا می‌کند نشان دهد» (ترابی، ۱۳۸۵: ۲۷). غلامرضا سلیم نیز در تعریف خود از جامعه‌شناسی ادبیات به ارتباط میان جامعه و اثر هنری اشاره

می‌کند: «جامعه‌شناسی ادبیات مطالب و حوادث اجتماعی مندرج در آثار ادبی... را توجیه کرده، نظرات صاحبان این آثار را در مورد حوادث روزگار خود بررسی می‌کند» (سلیم، ۱۳۷۷: ۱۳).

بنابراین، می‌توان گفت جامعه‌شناسی ادبیات به بررسی تأثیرات اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر آثار ادبی و تأثیرات آثار ادبی بر تحولات اجتماعی می‌پردازد. جامعه‌شناسی ادبیات، «علم مطالعه و شناخت محتوای آثار ادبی و خاستگاه روانی و اجتماعی پدیدآورندگان آن‌ها و نیز تأثیر پا بر جایی است که این آثار در اجتماع می‌گذارند. در واقع جامعه‌شناسی ادبیات مطالعه‌ی علمی محتوای اثر ادبی و ماهیت آن در پیوند با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی است» (ستوده، ۱۳۷۸: ۵۶).

در جامعه‌شناسی ادبیات دو رویکرد عمده قابل بررسی است: رویکرد اول، جامعه‌شناسی ادبیات است که برای کاربرد روش‌های جامعه‌شناسی در مورد پخش، فروش و خوانندگان، نهادهای ادبی، گروه‌های حرفه‌ای مانند نویسندگان، استادان یا منتقدان، در یک کلام هر آن‌چه در ادبیات خارج از خود متن ادب است، تلاش می‌ورزد (پوینده، ۱۳۷۷: ۸۱). در واقع، این رویکرد به اثر ادبی به عنوان یک کالای اقتصادی نگاه می‌کند و روابط اقتصادی را بر عالم ادبیات تطبیق می‌دهد. در این رویکرد اثر ادبی در سه عرصه‌ی تولید، توزیع و مصرف بررسی می‌شود. موقعیت اقتصادی و طبقاتی هنرمندان به طور حتم در آثار آنان تأثیرگذار است. در عرصه‌ی توزیع نیز ناشران به جنبه‌ی اقتصادی بیشتر توجه می‌کنند. مسئله‌ی سوم در این رویکرد، مسئله‌ی مصرف است که با خواننده و خرید کتاب و بازگشت سرمایه به سوی ناشر در ارتباط است. در این رویکرد، تولیدکننده‌ی اثر و ناشر آن به علایق و سلیق خوانندگان بیش از هر چیز دیگری اهمیت می‌دهند (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۰).

رویکرد دوم، جامعه‌شناسی ادبی است. این رویکرد که به متن و به معنای آن روی می‌آورد و با توجه به پدیده‌های اجتماعی‌ای مانند ساختارهای ذهنی و شکل‌گیری آگاهی، در پی گسترش درک متن است، در پیشرفت خود،

از ادبیات تطبیقی به جامعه‌شناسی «جهان‌نگری» گذر می‌کند (پوینده، ۱۳۷۷: ۸۲). در این رویکرد به بررسی محتوای اثر ادبی و رابطه‌ی آن با جامعه توجه می‌شود. این رویکرد در مراحل پیشرفته‌ی خود سعی در تطبیق جهان‌نگری موجود در یک جامعه و در عصری معین با فرم و محتوای آثار هنری خلق شده در آن جامعه و دوران دارد (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۱). محقق جامعه‌شناسی ادبی، محتوای آثار ادبی را به عنوان وسیله‌ای برای بررسی میزان انعکاس تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مطالعه می‌کند. (همان، ۶۹). هنری زالامانسکی با رویکرد جامعه‌شناسی محتواها به بررسی آثار ادبی می‌پردازد. او معتقد است که مسئله‌ی اساسی آن است که در آغاز دریابیم چه چیزی به خوانندگان عرضه می‌شود؛ یعنی چه محتوایی به آنان انتقال یافته است. به همین سبب بررسی محتوا عاجل‌ترین وظیفه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات است. از نظر او با صورت‌برداری از محتوای آثار و بررسی و رده‌بندی آن‌ها می‌توانیم به تصویری کلی از جامعه برسیم. هر نویسنده‌ای به مجموعه‌ای از پرسش‌های زمانه‌ی خود پاسخ می‌دهد، ما با بررسی محتوای آثار درمی‌یابیم که مسائل دوران ما چگونه مطرح شده‌اند و چه راه‌حلی یافته‌اند (پوینده، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

درباره‌ی تاریخچه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات باید بگوییم که بررسی روابط هنر به ویژه ادبیات با جامعه تازگی ندارد، اما پایه‌های علم مستقل جامعه‌شناسی ادبیات در سده‌ی نوزدهم بنیان گذاشته شده است. در سده نوزدهم منتقدانی مانند مادام دوآستال و ایپولیت تن، و فیلسوفانی مانند هگل و مارکس اصولی را طرح کردند که تمام تحولات بعدی، آگاهانه یا ناآگاهانه تابع آن‌هاست. پس از مارکسیست‌ها، جورج لوکاک و لوسین گلدمن، بزرگترین صاحب‌نظران جامعه‌شناسی ادبیات هستند. در واقع، لوسین گلدمن بود که جامعه‌شناسی ادبیات را به صورت یک رشته‌ی مستقل دانشگاهی درآورد. خوانندگان برای آگاهی بیشتر در این زمینه، می‌توانند به کتاب نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی از عسگر عسگری و همچنین به کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه‌ی محمد جعفر پوینده رجوع کنند.